طلیعه

چرا انتخابات آمریکا دنبال می‌شود؟

ضیا، مصباح

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در تمامی کشورهای جهان به دقت دنبال می‌شود. چراکه اقدامات و تغییر سیاست‌های کلان این کشور، پیامدهایی را در عرصه‌های مختلف جهانی همراه می‌آورد. مدل دموکراسی و نحوه انتخاب رئیس‌جمهوری در این کشور ویژگی‌های خاص خود را دارد و با پنج ویژگی همراه است: اول: دموکراسی آمریکایی از نوع رقابتی و اکثریت‌محوری است که در آن برنده همه‌چیز را می‌برد؛ یعنی متفاوت از دموکراسی‌های دیگر که قدرت به‌نوعی در بین احزاب توزیع می‌شود. شکل سیستم دوحزبی خاصی هم در آمریکا وجود دارد که این خودش به‌نوعی جلب توجه می‌کند.

دوم: نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا خودش تعیین‌کننده است؛ یعنی نیازی نیست که منتظر ماند و دید که بعد از انتخابات، چه اتفاقی قرار است صورت بگیرد یا سیاست‌گذاری شود.

سوم: انتخابات بسیار طولانی است و بسیاری از رسانه‌های جهان را در این پروسه با خود همراه می‌کند.

چهارم: کاملا کاندیدامحور است. تحرک امروز جامعه جهانی را بدون سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توان تصور کرد و بخش مهمی از نیروی محرکه سازمان‌های بین‌المللی به خاطر حضور فعال یا کمک‌های مالی و لجستیکی آمریکا به آنهاست. در صورتی که رئیس‌جمهوری در آمریکا تصمیم به کم یا قطع ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی بگیرد، پیامدهای آن باعث برهم‌خوردن نظم جهانی می‌شود. آمریکا کشور بزرگی است که در تمام نهادهای بین‌المللی حضور دارد، از سازمان ملل تا نوبسک، سازمان جهانی کار و بانک بین‌الملل؛ یعنی در حوزه‌ای، آمریکا نقش فعالی دارد. همچنین یک سری کارهای عام‌المنفعه عضوی مانند بنیاد سیاسی و غیرسیاسی با بودجه‌های بالا در اقیانوسها و نقاط جهان انجام می‌گیرد که حضور آمریکا در این نهادها خیلی مهم است. اگر با رئیس‌جمهوری مواجه شویم که خیلی علاقه‌ای نداشته باشد یا دنیای معاصر ارتباط برقرار کند و دروازه‌های کشور را روی کسانی که می‌خواهند به آمریکا مهاجرت یا دادوستد کنند با محدودیت روبه‌رو کند، نظم جهانی را به‌هم می‌زند. حرکاتی که در آمریکا انجام می‌گیرد به‌طور مشخص در روابط بین‌الملل و به‌طور ویژه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اثر می‌گذارد. آمریکا ارتباط نزدیکی با یونسکو دارد و بودجه کلانی را در اختیار این نهاد می‌گذارد. این کشور در برنامه‌های مختلف این سازمان در کشورهای دیگر برای آشناکردن آنها با قواعد دموکراسی به آن مفهومی که فعلا وجود دارد، فعال است و علاوه‌بر آن، آمریکا ارتباط نزدیکی با سیاه ضلع سازمان ملل که به نقاط مختلف جهان می‌روند دارد. این‌گونه روابط که به‌هم بریزد، در چه جهتی و به‌نفع مناطق چه کسانی تمام خواهد شد که مطلب دیگری می‌طلبد. در جهان امروز ممکن باشد بی‌شمار و بسیار پیچیده‌ای وجود دارند که حل یا تشدید آنها به تصمیم بازیگران مهم و کلیدی در جهان بستگی دارد. آمریکا به‌عنوان تاثیرگذارترین کشور در معادلات جهانی، در رأس این هرم قرار دارد و با توجه به همین جایگاه، می‌توان دریافت که چرا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برای جامعه جهانی مهم است.

حامد طیبی

انتخابات برفرازونشیب ریاست‌جمهوری آمریکا سرانجام به ایستگاه آخر رسید. حالا چه جمهوری‌خواهان بخواهند و چه نخواهند، در تاریخ ایالات متحده، نام دونالد ترامپ به‌عنوان نامزد این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۶ ثبت خواهد شد. دموکرات‌هایی که برنی سندرز متفاوت و منتقد را می‌پسندیدند و نگران ظرفیت بالای هیلاری کلینتون برای تخریب‌شدن بودند، نیز ممکن است از همین فردا، بر حقانیت خود مهر تایید بزنند. انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، همواره با موضوع ایران هم گره خورده است. در انتخابات اخیر هم موضوع ایران بارها مطرح شد و برجام، عامل موفقیت ایران و شکست آمریکا ارزیابی شد. مدیرکل مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور و دبیر کمیسیون احزاب و تشکل‌های سیاسی در وزارت کشور دولت اصلاحات، در گفت‌وگو با «شرق»، انتخابات آمریکا را از منظر حقوقی و سیاسی بررسی کرد. خواد اطاعت در مجلس ششم، فعالیت پارلمانی را نیز به سوابق خود افزود و البته در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، یکی از چند چهره شناخته‌شده‌ای بود که در رقابت نهایی، حضور نداشت. استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی که در سال‌های اخیر مقالات و تألیفات درخورتوجهی را نیز ارائه کرده است، مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه شهید بهشتی گرفت اما تا مقطع دکترای علوم سیاسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. اطاعت درحال‌حاضر عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی است.

■ انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در این دوره به روز موعود رسید. با این‌حال، چه از منظر بیرونی و چه مسائل داخلی خود ایالات متحده، این دوره به‌نظر کمی متفاوت‌تر از دیگر انتخابات در دوره‌های گذشته است. این یک تصور است یا در عالم واقع نیز این تفاوت احساس می‌شود؟

این انتخابات نگرانی‌های بنیان‌گذاران اولیه ایالات متحده آمریکا را در نظر صاحب‌نظران حقوقی و سیاسی برجسته کرده است.

■ منظور شما رفتار کاندیداها و موضوعات مطرح‌شده در مناظره‌ها و در رقابت میان آنهاست؟

بنیان‌گذاران اولیه آمریکا بعد از پیروزی در جنگ‌های استقلال در فیلادلفیا در سال استقلال در سال ۱۷۸۷ نگران آن بودند که انتخابات ریاست‌جمهوری تحت‌الشعاع جنجال‌های بازاری و پوپولیسم قرار گیرد. بنابراین، قانون اساسی این کشور را به‌گونه‌ای تدوین کردند که نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری این کشور با استفاده از «الکترال کالج‌ها» انجام شود. یعنی هم ایالت به تعداد نمایندگانی که آن ایالت در مجلس نمایندگان و سنا دارد، کاترال کالج در اختیار داشته باشد و مردم به جای اینکه مانند ایران به‌طور مستقیم به نامزدهای ریاست‌جمهوری رای دهند در ایالت‌های خود به الکترال کالج‌ها یا هیات‌های انتخاب‌کننده رای دهند و سپس این هیات‌های انتخاب‌کننده به آرای خویش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را انتخاب کنند. یعنی ایالت‌ها به نامزدها یا واسطه و به‌وسیله هیات‌های انتخاب‌کننده با همان الکترال کالج‌ها انتخاب شود.

■ دیگر کشورها چطور؟ تا بگرانی از پپولیسم در دیگر قوانین اساسی دنیا نیز مدنظر قرار گرفته است یا اینکه فقط در ایالات متحده آمریکا این نگرانی وجود داشته است؟ منظورم این است که الگوی انتخاباتی دیگر کشورها، از این نوع حساسیت‌ها داشته است؟

این موضوع در اکثر کشورهای جهان وجود داشته است. تعدادی از کشورها با استفاده از الگوی نظام کابینه‌ای انگلستان رئیس قوه مجریه یا نخست‌وزیر ازسوی پارلمان انتخاب می‌شود. برخی از کشورها مثل آلمان رئیس‌جمهور به وسیله هیات فدرال آلمان انتخاب می‌شود. برخی از کشورها مثل عراق و ترکیه تا دوسال پیش از سوی مجلس مقننه انتخاب می‌شوند. در فرانسه نیز تا سال ۱۹۶۲، انتخاب رئیس‌جمهور به صورت مستقیم نبود. بعدا با اصلاح قانون اساسی انتخاب رئیس‌جمهور با انتخابات مستقیم و به صورت عمومی انجام می‌شود. بنابراین اصل بر این بوده است که انتخاب رئیس کشور با رای مستقیم مردم نباشد.

■ به موضوع ایالات متحده برگردیم. اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری، مردم مستقیما به نامزدها رای نمی‌دهند، مکانیسم انتخاب رئیس‌جمهور را پیچیده‌تر نمی‌کند؟ یعنی مثلا در این دوره با وجود تبلیغات پرحجم نامزدها، باز هم باید به وسیله آرای الکترال رای داد و الزری از نام کلینتون یا ترامپ نیست. این مسئله روی نشاط انتخاباتی تاثیر نمی‌گذارد؟

براساس قانون اساسی، نام خانم کلینتون و ترامپ را روی برگه رأی نمی‌نویسند؛ اما با نقشی که احزاب در انتخابات ایفا می‌کنند، عملا مستقیم شده است؛ بدین معنا که چون هر حزب قبل از انتخابات نامزد ریاست‌جمهوری خود را برمی‌گزیند، عملا

> ایران قبل از انقلاب هم به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی آن، که در همسایگی شوروی قرار داشت، برای غرب و به‌ویژه آمریکا دارای اهمیت بود. کمااینکه نیکسون در کتاب جنگ واقعی و صلح واقعی می‌نویسد نفت، خون صنعت مدرن است و خلیج‌فارس قلبی است که این خون را در شریان‌های دنیای صنعتی پمپاژ می‌کند

مردم می‌دانند به چه کسی رای خواهند داد. هر حزب در هر ایالت الکترال کالج‌های خود را معرفی می‌کند و رای‌دهندگان اگر طرفدار حاکم کلینتون باشند، به فهرست الکترال کالج معرفی‌شده از طرف حزب دموکرات رای می‌دهند و اگر طرفدار اقوای ترامپ باشند، به فهرست الکترال کالج معرفی‌شده از طرف حزب جمهوری‌خواه رای خواهند داد. پس از شعارش از هر حزبی بالای ۵۰ درصد آرا را در آن ایالت کسب کند، کل کارت الکترال‌ها به همان حزب تعلق خواهد گرفت. به جز دو ایالت مین و نبراسکا در همه ایالت‌ها به همین شیوه انتخابات برگزار می‌شود و هر حزب بتواند اکثریت مطلق کارت‌های الکترال را کسب کند، پیروز خواهد شد.

■ شرایط انتخاب نامزدهای انتخاباتی چگونه است؟ فرایند تایید صلاحیت‌ها و شیوه برگزاری انتخابات و نهادهای درگیر چه شرایطی دارد؟

در نظام انتخاباتی کشورهای دموکراتیک اعم از ریاست‌جمهوری و مجالس مقننه تایید و رد صلاحیت نامزدها ضروری است. البته چه کسی واجد صلاحیت نمایندگی مردم است، به شهروندان رای‌دهنده مربوط می‌شود. در بسیاری از جاها به اجرای صلاحیت اجرا شرایط قابل استناد در قانون موضوعیت دارد. آن هم سعی بر آن است که با حداقل شرایط، امکان رقابت را برای هر علاقه‌مندی فراهم کنند. برای مثال در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که اینان فرمانده کل قواست، نامزد ریاست‌جمهوری باید دارای سه مشارکت در زندگی فرهنگی و خلافیت را از جمله مصادیق آن دانست.

مفاد اصل بازنردم چیست؟

این اصل در فصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مربوط به اصل کلی است ذکر شده و نباید انتظار داشت که جزئیات موضوع در آن بیان شود، به‌عبارت‌دیگر، قانون‌گذار در مقام بیان جزئیات نبوده و قانون‌گذاری در این خصوص به قوانین موضوعه و مقررات سپرده شده است.

۱- اصل بازنردم در حقوق مشخص دارد: بر اساس حکم اول، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و «اسناد، «مکاتبات» و «متون» «رسمی» و «کتب درسی» باید با این زبان و خط باشد. در این خصوص نکات زیر شایسته توجه است:

الف- تعیین زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و مشترک این به دلیل ضرورت وجود یک زبان واحد برای تقویت وحدت ملی و ضرورت حل نیازمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایرانیان در تمامی نقاط کشور است.

ب- توجه به این نکته مهم که تعیین زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و مشترک در ایران، نافی به‌هم‌زدنی از سایر زبان‌هاست. بر اساس قاعده «اثبات شیء، نفی ما عدا» نمی‌کند، می‌توان گفت «توانمانی زبان فارسی و یک زبان ملی و قومی» در متون و کتب درسی مغایر با حکم اول اصل بازنردم نیست.

پ- منظور از کتب درسی مبهم بوده و معلوم نیست منظور از این کتب تا پایان چه مقطعی (دبستان، دبیرستان یا دانشگاه) مورد بود؟ اما این حکم، حوزه‌های علمیه را نیز در برمی‌گیرد و باید کتب درسی حوزه‌های علمیه نیز به فارسی تدریس شود؟ این ابهام در مجلس تدوین قانون اساسی نیز مطرح شد که پاسخ نمایندگان به آن منفی بود. براساس مذاکرات مجلس بادشده، آن در دیرستان یا در دانشگاه بخواهند برنامه‌ای را با زبان غیرفارسی تدریس یا همایشی به زبان غیرفارسی برگزار کنند. این موضوع منافاتی با اصل بازنردم نداشته که این موضوع مورد تأیید نمایندگان آن مجلس نیز قرار گرفت.

۲- مطابق حکم دوم اصل بازنردم قانون اساسی، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس آزاد است. دراین‌خصوص نکات زیر شایسته توجه خواهد بود:

الف- در غیر از «اسناد»، «مکاتبات» و «متون» «رسمی و «کتب درسی» محدودیت استفاده از زبان فارسی (به عنوان زبانی که باید حتما از آن استفاده کرد)، رفع می‌شود و می‌توان از زبان‌های غیرفارسی بدون همراهی زبان فارسی بهره جست. به عبارت دیگر و بر اساس «اصل عدم صلاحیت دولت» و «اصل اباحه»، در غیر از موارد بادشده، هیچ محدودیتی برای استفاده از زبان مادری وجود نداشته و ایجاد محدودیت دراین‌خصوص مغایر با اصل بازنردم تلقی می‌شود. براین‌اساس درصورتی‌که قراردادهای خصوصی بین اشخاص غیردولتی منحصرا به زبان‌های محلی و قومی تنظیم شود، این موضوع بنابر استدلال بادشده، معتبر و دارای ارزش حقوقی است.

ب- قید «رسمی‌بودن» مذکور در این اصل، مبهم به نظر می‌رسد. اگرچه مطابق ماده (۱۲۸۷) مدنی، اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفتر اسناد رسمی یا در نزد دیگر مأموران رسمی در حدود صلاحیت آنها و بوفق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی تلقی می‌شوند؛ اما همین مقدار نیست کدام «مکاتبه» و «متنی» را باید رسمی تلقی کرد؟ آیا منظور از مکاتبات رسمی، مکاتبات اداری است یا آیا همه مکاتبات اداری را باید رسمی تلقی کرد؟ از نظر مرحوم جعفر بهشتی در مجلس تدوین قانون اساسی، زبان رسمی به زبانی می‌گویند که در مؤسسات دولتی معمول است و احکام دولتی و امثال اینها، باید به آن زبان باشد و منظور از متون رسمی، عبارت از نامه‌نامه‌ها و قراردادهایی مانند قانون اساسی یا متن قوانین است. همچنین مطابق این مذاکرات، «رسمی‌بودن» وصف برای متون، اسناد و مکاتبات رسمی است و براساس نظر جعفر بهشتی، «مکاتبات در ادارات» منصول این اصل نیست و ازاین‌رو نمی‌توان افراد را با استناد به این اصل، ملزم کرد تا در مراجع رسمی مکاتبه کنند یا از غیرفارسی زبان تشکیل می‌دهند. فارسی حوصلت کنند، اگرچه ضرورت عملی کاهی مبنای این ایراد می‌شود. چنانچه از مباحث بادشده برمی‌آید، در این‌خصوص ابهامات قانونی متعددی وجود دارد، بنابراین به منظور اجرای صحیح این اصل، قانون‌گذاری برای تعیین جزئیات موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.

ب- براساس اصل بازنردم، می‌توان از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، بدون همراهی آن با زبان فارسی، استفاده کرد. این امر بدون محدویت و به صورت کلی ذکر شده و نمی‌توان آن را مقید به قیدی کرد؛ بنابراین قید «در کنار زبان فارسی» شامل مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیست و تنها «تدریس ادبیات آنها در مدارس» را دربر می‌گیرد. مطابق سؤال شهید محمدتقی بشارت، (نماینده حوزه انتخابیه استان کهگیلویه‌وبویراحمد در مجلس تدوین قانون اساسی)، آیا قید «در کنار زبان فارسی» شامل مطبوعات و رسانه‌های گروهی هم هست یا فقط برای مدارس مطرح می‌باشد و پاسخ نایب‌رئیس مجلس بادشده، آن بود که این قید فقط برای تدریس در مدارس مطرح است.

ت- تدریس ادبیات مربوط به زبان‌های محلی و قومی شامل آموزش زبان و خط آنها نیز خواهد بود؛ چراکه مطابق حقیقت قبلی در این اصل، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی تجویز شده و بدیهی است استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی بدون آموزش زبان و خط آنها، بی‌فایده است و ازآنجایی‌که قانون‌گذار حکم به امر می‌افاده و لوغا نمی‌کند، می‌توان به این نکته پی برد که منظور از آموزش ادبیات قومی و محلی، دربردارنده «آموزش زبان و خط ادبیات آنها» در کنار زبان و خط استفاده شده در ادبیات فارسی نیز می‌شود.

تکالیفی درقبال حق بهره‌مندی اززبان‌های محلی

درصورتی‌که بهره‌مندی از زبان قومی و محلی «حق» شناخته شود، باید بدر در حد توان، امکان استفاده ایرانیان غیرفارسی‌زبان را از ابسز حق با تعیین بودجه، سازوکارهای اداری و تأمین امنیت سرمایه‌گذاران به جای سرمایه‌گذاری در آمریکا در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که مایلت کمتری بدهند تا سود بیشتری عاید آنان شود. این موضوع باعث می‌شود در درازمدت اقتصاد آمریکا از رقابت عقب بماند و سرمایه‌گذاری کمتر باعث افزایش بی‌کاری شود و در نهایت به ضرر فقرا و اقتصاد آمریکاست.

■ از دموزنی‌بودن انتخابات به‌عنوان یکی از نقاط ضعف ایالات متحده باد می‌شود؛ یعنی افراد متعلق به تفکرات دیگر یا مستقل، امکان با جرئت وجود به فرایند انتخابات را ندارند. واقعا این نقطه ضعف است یا تعدد احزاب و تشکیلات در کشورهای توسعه‌یافته که بعضا باعث شده است نامزد به مدت ۸ ماه رقابت کنند؟ به‌عبارتی نوع سیستم انتخاباتی ایالات متحده چقدر با نظام‌های ارزشی آن تطابق دارد؟

انتخابات در ایالات متحده آمریکا متأثر از دو متغیر نظام و ساختار حقوقی و نظام انتخاباتی است. نظام حقوقی آمریکا سیستم رایستی و الگویی است که آنها ابداع کرده‌اند. کمااینکه سیستم حقوقی نظام انگلستان پارلمانی یا کابینه‌ای است. فرانسه براساس نظام نیمه‌پارلمانی و نیمه‌ریاستی اداره می‌شود. هر کدام از این الگوها دارای نقاط قوت و ضعف هستند. در دنیای کنونی اگرچه برای اداره بهتر کشورها عالمان علم سیاست و حقوق‌دانان تلاش‌های زیادی کرده‌اند؛ اما هیچ نظام بی‌عیب و نقصی وجود ندارد. نظام انتخاباتی این کشور نیز نظام اکثریتی است. به این معنا که نظام انتخاباتی اکثریتی، موجد نظام دوحزبی و نظام انتخاباتی تناسبی، موجد نظام چندحزبی است. برای مثال اگر نظام انتخاباتی آمریکا از اکثریتی به تناسبی تغییر پیدا کند، ما شاهد نظام چندحزبی در این کشور خواهیم بود. اگرچه نظام تناسبی چندحزبی عادلانه‌تر هست؛ اما اگر فرهنگ سیاسی رشد نیافته باشد، با شکست ائتلاف‌ها باعث بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. این در حالی است که ثبات سیاسی در نظام‌های دوحزبی نهادینه شده است. در نظام سیاسی آمریکا از آنجا که انتخابات قوه مقننه و مجریه جداگانه انجام می‌شود، چه‌بسا رئیس‌جمهور از یک حزب و اکثریت مجلس نمایندگان با سنا از حزب دیگر انتخاب شوند. در این صورت رقابت‌های سیاسی پس از انتخابات هم ادامه پیدا می‌کند و کارشکنی‌هایی در کار رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد و باعث مشکلاتی می‌شود. مشکلاتی از این دست را در نظام‌های پارلمانی شاهد نیستیم چراکه حزب، اکثریت پارلمان دولت را هم در اختیار دارد و اتحاد دولت و مجلس زمینه کارشکنی‌های احتمالی را از بین می‌برد. البته اگر نظام پارلمانی با نظام انتخاباتی تناسبی هم شود، تنوع احزاب در پارلمان زمینه وحدت و ثبات را مخدوش می‌کند.

■ این انتخابات چرا تا این میزان مورد توجه کشورهای مختلف قرار دارد؟ حتی رسانه‌های رسمی در ایران که ظاهرا اتفاقات آمریکا را در همان بخش خبری بی‌ارزش می‌دانند، بلافاصله بعد از آن، نشست زنده برای بررسی مواضع دو نامزد اصلی برگزار می‌کنند.

ایالات متحده آمریکا رهبری جهان سرمایه‌داری را در اختیار دارد. ارتش این کشور در سراسر دنیا دارای پایگاه نظامی است. سابقه مداخله این قدرت جهانی در کوته و کنار جهان زیانزد است. بیشترین هدف در این کشور تولید می‌شود و بزرگترین اقتصاد جهان در اختیار آن است.

بازارهای جهانی نسبت به تحولات این کشور واکنش نشان می‌دهند. کمااینکه بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ ذیل اقتصادها را از هم متاثر کرد. بنابراین طبیعی است که دیگر کشورها نسبت به این انتخابات واکنش نشان دهند.

■ موضوع ایران بر اهم مدنظر دو نامزد قرار دارد. اما به نظرشما نوع برداخت به ایران چقدر با قبل از این دولت و پیش از برجام تفاوت کرده است؟

ایران قبل از انقلاب هم به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی آن که در همسایگی شوروی قرار داشت، برای غرب و به‌ویژه آمریکا دارای اهمیت بود. کمااینکه نیکسون در کتاب جنگ واقعی و صلح واقعی می‌نویسد نفت، خون صنعت مدرن است و خلیج‌فارس قلبی است که این خون را در شریان‌های دنیای صنعتی پمپاژ می‌کند. ایران‌ها مفاهیم امر عمومی و امر شخصی در اندیشه یونانیان، میدان‌هایی در شهرهای یونان به یا شد که در آن تصمیمات مهم سیاسی را بارزنی تمامی شهروندان گرفته می‌شد، به‌نحوی‌که جمهور شهروندان در اعمال نظر و عمل سیاسی برابر و سهیم بودند؛ این دریافت نو از نقش شهروندی که مبتنی بر شرکت همگان در امر عمومی بود، راه را برای نظریه‌پردازی در باب اسلوب نوین قوه‌مراوئی که همان حاکمیت مردم بر مردم باشد، هموار کرد. فرازکان یونانی مفهوم مصلحت عمومی را به‌عنوان سالوده نظام‌های شوراییِ مطرح کردند. به یک اعتبار می‌توان گفت این مفهوم عامل تمایز بین مدینه فاضله و مدینه ضاله بود؛ بدین‌سان در شهر آن مصلحت عمومی میزان و ضابطه همه امور به شمار می‌آمد. پریکلس یکی از متخلبان فرزانه آتی بود که با فهمی حقیقی از مفهوم مصلحت عمومی، در ادراه امور شهر بیش از آنکه تابع نیاز شهروندان باشد، دنبال‌کننده مصالح مرسله بود، به‌نحوی‌که اقتدا به مصالح عمومی را امری سزای نظم و نسق شهر می‌دانست؛ اما از خلاف آمد عادت برجای‌نشستگان پریکلس به خلاف رسم اسلاف برای جذب رای مردم مصلحت عمومی را قربانی میل گروهی عامه کردند و این علتی بر معلول بحران نظام دموکراسی شد که افلاطون با نگاهی به ترازدی استاد خود و نیز شرایط کنونی حاکم بر ماهسنان آتنی، بر آن شد تا راهی را برای برون‌رفت از این چاه وبل اکثریت‌گرایی به دست بیاورد و طرحی نو در مناسبات سیاسی بیفکند. وی با توجه به مقدمات فلسفی خویش تنها راه برون‌شد از بحران زرف موجود را تاملی فلسفی در این انواع قوه‌مراوئی دانست که عمل به مصلحت عمومی را ضابطه شکل‌گیری آرمان‌شهر معرفی کرد. در تعاقب او اسطو مفهوم مصلحت عمومی را ناظر بر سرشت آدمی و مناسبات سیاسی از عالم معنا به ظرف واقعیت کشید؛ ازاین‌رو تبعیت از قانون برخاسته از مصلحت عمومی را که او رسیدن به رفاه همگانی بود متناسب با الزامات زمانه وارد اندیشه سیاسی کرد. مفهوم مصلحت عمومی ارسطو مفهومی جدید در قدیم شد که بنیانی برای شکل‌گیری و برگشت مدل‌های دولت‌ها در عصر جدید شد. البته این مفهوم به دلیل تفاوت ماهوی شهرهای یونانی و ایرانی نتوانست بسطی در فلسفه سیاسی فارابی بیابد. علی‌ای‌حال نبود تبیین نظری مفهوم مصلحت عمومی در اندیشه ایرانی، موجب بروز کاستی‌هایی در ارکان اداره عمومی کشور شد، به‌نحوی‌که سرایت مفهوم تهی از مضمون مصلحت عمومی به دوران معاصر موجب افتادن مصلحت عمومی به بوته منافع آنی، کوتاه‌مدت و گذرای گروهی از عامه شد. آنچه در انتخابات مجلس یازدهم شاهد آن بودیم، غیر این نبود که نامزدهای انتخاباتی با عطف به سخنرانی‌های پرشورشان که لبریز از سخنان خوشایند عامه بود، هیچ التفاتی به مصلحت عمومی نداشتند و کثیری از نامزدها سعی داشتند تا با ایجاد هرج و رانکیختگی مردم، تنها خود را به ارایکه قدرت برسانند.»

نگاه

مصلحت عمومی و حقوق شهروندی

سیامک سپهرنیا . پژوهشگر آذری

متناسب با فروپاشی نظام موکنای در یونان، در ساحت سیاسی شهرهای یونانی دگرگونی پدید آمد که این تغییر و تحول در مناسبات سیاسی آغازگر دوره‌ای جدید در نوع سامان سیاسی بود. با تدوین مفاهیم امر عمومی و امر شخصی در اندیشه یونانیان، میدان‌هایی در شهرهای یونان به یا شد که در آن تصمیمات مهم سیاسی را بارزنی تمامی شهروندان گرفته می‌شد، به‌نحوی‌که جمهور شهروندان در اعمال نظر و عمل سیاسی برابر و سهیم بودند؛ این دریافت نو از نقش شهروندی که مبتنی بر شرکت همگان در امر عمومی بود، راه را برای نظریه‌پردازی در باب اسلوب نوین قوه‌مراوئی که همان حاکمیت مردم بر مردم باشد، هموار کرد. فرازکان یونانی مفهوم مصلحت عمومی را به‌عنوان سالوده نظام‌های شوراییِ مطرح کردند. به یک اعتبار می‌توان گفت این مفهوم عامل تمایز بین مدینه فاضله و مدینه ضاله بود؛ بدین‌سان در شهر آن مصلحت عمومی میزان و ضابطه همه امور به شمار می‌آمد. پریکلس یکی از متخلبان فرزانه آتی بود که با فهمی حقیقی از مفهوم مصلحت عمومی، در ادراه امور شهر بیش از آنکه تابع نیاز شهروندان باشد، دنبال‌کننده مصالح مرسله بود، به‌نحوی‌که اقتدا به مصالح عمومی را امری برای نظم و نسق شهر می‌دانست؛ اما از خلاف آمد عادت برجای‌نشستگان پریکلس به خلاف رسم اسلاف برای جذب رای مردم مصلحت عمومی را قربانی میل گروهی عامه کردند و این علتی بر معلول بحران نظام دموکراسی شد که افلاطون با نگاهی به ترازدی استاد خود و نیز شرایط کنونی حاکم بر ماهسنان آتنی، بر آن شد تا راهی را برای برون‌رفت از این چاه وبل اکثریت‌گرایی به دست بیاورد و طرحی نو در مناسبات سیاسی بیفکند. وی با توجه به مقدمات فلسفی خویش تنها راه برون‌شد از بحران زرف موجود را تاملی فلسفی در این انواع قوه‌مراوئی دانست که عمل به مصلحت عمومی را ضابطه شکل‌گیری آرمان‌شهر معرفی کرد. در تعاقب او اسطو مفهوم مصلحت عمومی را ناظر بر سرشت آدمی و مناسبات سیاسی از عالم معنا به ظرف واقعیت کشید؛ ازاین‌رو تبعیت از قانون برخاسته از مصلحت عمومی را که او رسیدن به رفاه همگانی بود متناسب با الزامات زمانه وارد اندیشه سیاسی کرد. مفهوم مصلحت عمومی ارسطو مفهومی جدید در قدیم شد که بنیانی برای شکل‌گیری و برگشت مدل‌های دولت‌ها در عصر جدید شد. البته این مفهوم به دلیل تفاوت ماهوی شهرهای یونانی و ایرانی نتوانست بسطی در فلسفه سیاسی فارابی بیابد. علی‌ای‌حال نبود تبیین نظری مفهوم مصلحت عمومی در اندیشه ایرانی، موجب بروز کاستی‌هایی در ارکان اداره عمومی کشور شد، به‌نحوی‌که سرایت مفهوم تهی از مضمون مصلحت عمومی به دوران معاصر موجب افتادن مصلحت عمومی به بوته منافع آنی، کوتاه‌مدت و گذرای گروهی از عامه شد. آنچه در انتخابات مجلس یازدهم شاهد آن بودیم، غیر این نبود که نامزدهای انتخاباتی با عطف به سخنرانی‌های پرشورشان که لبریز از سخنان خوشایند عامه بود، هیچ التفاتی به مصلحت عمومی نداشتند و کثیری از نامزدها سعی داشتند تا با ایجاد هرج و رانکیختگی مردم، تنها خود را به ارایکه قدرت برسانند.»

دولت تعامل‌گرا در ایران و آمریکا، دیوار بی‌اعتمادی را کوتاه می‌کنند

عکس: امیر وجدی، شرق

■ این سخن کلی که دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و نامزدهای نظر علمی و با نظر به رویکردهای تاریخی آنان، درست است؟

در زمینه سیاست خارجی، تفاوت چندانی با هم ندارند. از در شرایط کنونی با پایان‌گرفتن عصر ایدئولوژی‌ها رقابت‌ها ایدئولوژیک نیست. برای مثال در ایالات متحده آمریکا حزب کمونیست یا حزب لیبرال وجایت نمی‌کند که سیاست‌ها کاملا متفاوت باشد. همه احزاب در کانتکس لیبرال‌دموکراسی فعالیت می‌کنند. بنابراین تفاوت‌ها بنیادی و عمیق نیستند بلکه تفاوت‌ها در روش‌ها و بعضا میزان مالیات‌هاست. برای مثال دموکرات‌ها چون سوسیالیست‌تر از جمهوری‌خواهان هستند، موافق مالیات‌های سنگین‌تری هستند تا از این منابع بتوانند فقرا و دهک‌های پایین را حمایت کنند. اما جمهوری‌خواهان معتقدند با توجه به جهانی‌شدن سرمایه، مالیات‌های سنگین باعث می‌شود سرمایه‌گذاران به جای سرمایه‌گذاری در آمریکا در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که مالیات کمتری بدهند تا سود بیشتری عاید آنان شود. این موضوع باعث می‌شود در درازمدت اقتصاد آمریکا از رقابت عقب بماند و سرمایه‌گذاری کمتر باعث افزایش بی‌کاری شود و در نهایت به ضرر فقرا و اقتصاد آمریکاست.

■ از دموزنی‌بودن انتخابات به‌عنوان یکی از نقاط ضعف ایالات متحده باد می‌شود؛ یعنی افراد متعلق به تفکرات دیگر یا مستقل، امکان با جرئت وجود به فرایند انتخابات را ندارند. واقعا این نقطه ضعف است یا تعدد احزاب و تشکیلات در کشورهای توسعه‌یافته که بعضا باعث شده است نامزد به مدت ۸ ماه رقابت کنند؟ به‌عبارتی نوع سیستم انتخاباتی ایالات متحده چقدر با نظام‌های ارزشی آن تطابق دارد؟

انتخابات در ایالات متحده آمریکا متأثر از دو متغیر نظام و ساختار حقوقی و نظام انتخاباتی است. نظام حقوقی آمریکا سیستم رایستی و الگویی است که آنها ابداع کرده‌اند. کمااینکه سیستم حقوقی نظام انگلستان پارلمانی یا کابینه‌ای است. فرانسه براساس نظام نیمه‌پارلمانی و نیمه‌ریاستی اداره می‌شود. هر کدام از این الگوها دارای نقاط قوت و ضعف هستند. در دنیای کنونی اگرچه برای اداره بهتر کشورها عالمان علم سیاست و حقوق‌دانان تلاش‌های زیادی کرده‌اند؛ اما هیچ نظام بی‌عیب و نقصی وجود ندارد. نظام انتخاباتی این کشور نیز نظام اکثریتی است. به این معنا که نظام انتخاباتی اکثریتی، موجد نظام دوحزبی و نظام انتخاباتی تناسبی، موجد نظام چندحزبی است. برای مثال اگر نظام انتخاباتی آمریکا از اکثریتی به تناسبی تغییر پیدا کند، ما شاهد نظام چندحزبی در این کشور خواهیم بود. اگرچه نظام تناسبی چندحزبی عادلانه‌تر هست؛ اما اگر فرهنگ سیاسی رشد نیافته باشد، با شکست ائتلاف‌ها باعث بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. این در حالی است که ثبات سیاسی در نظام‌های دوحزبی نهادینه شده است. در نظام سیاسی آمریکا از آنجا که انتخابات قوه مقننه و مجریه جداگانه انجام می‌شود، چه‌بسا رئیس‌جمهور از یک حزب و اکثریت مجلس نمایندگان با سنا از حزب دیگر انتخاب شوند. در این صورت رقابت‌های سیاسی پس از انتخابات هم ادامه پیدا می‌کند و کارشکنی‌هایی در کار رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد و باعث مشکلاتی می‌شود. مشکلاتی از این دست را در نظام‌های پارلمانی شاهد نیستیم چراکه حزب، اکثریت پارلمان دولت را هم در اختیار دارد و اتحاد دولت و مجلس زمینه کارشکنی‌های احتمالی را از بین می‌برد. البته اگر نظام پارلمانی با نظام انتخاباتی تناسبی هم شود، تنوع احزاب در پارلمان زمینه وحدت و ثبات را مخدوش می‌کند.